

کلام مصلح، منشور اصلاحات فرهنگی

اراده، آگاهی و اختیار، اساس پذیرشها و تعهدات انسانی، و فرهنگ، مولود و دامنه بروز آن در میان جوامع می‌باشد.



اراده، آگاهی و اختیار، اساس پذیرشها و تعهدات انسانی، و فرهنگ، مولود و دامنه بروز آن در میان جوامع می‌باشد، [1] که در شکل‌گیری، تکامل و تعالی اجتماع مهمترین نقش را ایفا می‌کند. به طوری که تحولات و اصلاحات سرنوشت ساز، عموماً میراث رویکردهای عظیم فرهنگی در مقیاسی وسیع بوده، که با بعثت و ظهور مصلحانی راستین و در راس آنان انبیاء عظام صورت پذیرفته است.

اما بقاء و دوام این اصلاحات همواره مشروط به تحقق دو شرط اساسی بوده است.

1- پویایی و کمال جویی رویکرد نوین، تا بتواند دستاوردها و ارزشهای خود را منطبق با زمان به نسل جدید انتقال دهد و مریدان و حافظانی جوان تربیت کند.

2- پذیرا شدن نسل جدید و اصرار بر حفظ میراث گذشته و قابلیت و توفیق بهره‌مندی از سامانهای امروزی در همه ابعاد. که این خود مرهون انتقال صحیح ثمره تغییرات از نسل تحول یافته است که هر چه دست نخورده‌تر به جمع وارث تحویل دهد. بی‌تردید، تحقق شرایط فوق نتیجه فرهنگی است که در تکوین انقلاب نقش داشته و بر ساختار نوین تأثیر گذار بوده است. پس شرط دوام اصلاحات، تئوریزه شدن فرهنگ انقلاب برای آیندگان است.

اگر فرهنگ - دامنه بروز اراده و آگاهی انسان - را موجودی زنده و فعال، با قابلیت رشد بدانیم و آنرا مایه حیات و حیثیت جوامع انسانی برشماریم، حفظ این موجود، مربیان و دایه‌هایی دلسوز و دانا و خلاق را می‌طلبد تا با شناخت کافی، ضمن حفظ سلامت و طراوت آن، زمینه رشد و پوییش آن را فراهم نمایند و او را از آفات و آلام احتمالی دور سازند. از این روست که مربیان برجسته بشری از انبیاء بزرگ تا رادمردان الهام یافته از آنان، همواره بیشترین تأمل و اصرار را بر راهبری فکری و تصحیح فرهنگ امتهای خویش داشته‌اند، همانگونه که کتب آسمانی و آثار فرهنگی هر دوران با همین هدف تنظیم و تبیین گردیده است. و مهم آنکه این مصلحان فرهنگ ساز تنها به تکوین یک پیکر فرهنگی دل خوش نداشته بلکه همت والای خویش را تا سر حد جان نثاری و شهادت بر سلامتی و پرورش جزء جزء آن فرهنگ صحیح و الهی مصروف داشته‌اند. امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) که خود از بزرگترین پرچمداران فرهنگ ساز بشری است، تأثیرات رسالت عظیم رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) اسلام را این گونه ارزیابی می‌فرمایند که: «ارسال سلسله رسولان الهی به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید،... در حالی که جهان عصر بعثت گرفتار ملیت‌های پراکنده و خواسته‌های گوناگون بود و خداوند به وسیله رسول اکرم (ص) آنها را از ضلالت و گمراهی رهانیده و از جهالت و نادانی نجات داد.» [2]

این هدف والا - تغییرات و اصلاحات فرهنگی - در قیام جهانی و خونین سیدالشهدا حسین بن علی (علیهما السلام) نیز از اولین روزهای قیام تا آخرین مرحله تکمیلی به اسارت بزرگ بانوی کربلا حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) انجامید، یعنی از اولین فریاد حسینی تا آخرین خطبه زینبی موج می‌زند. «وَبَدَّلَ مَهَجَتُهُ فَيْكَ لَيْسَتْ قَدْ عِبَادَتُكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةُ الضَّلَالَةِ» [3] «خدا یا حسین (علیه السلام) خون دل خود را در راه تو نثار کرد تا بندگان را از نادانی و حیرت و سرگردانی نجات بخشد.»

این جدیت وافر، این اخلاص کامل و این اهتمام قابل‌انگیزه‌ای جز عظمت موضوع و تعهد این بزرگان در قبال عهد اولیه با حضرت حق و پیوندی که با امتهای خویش داشته‌اند ندارد. خداوند نیز در قرآن کریم از این تعهد و پیامبران الهی و وارثان آنان یاد می‌کند. «و اذ اخذن النبیین میثاقهم و منك و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم و اخذنا منهم میثاقاً غلیظاً» [4]

آری انسانهای فرهیخته و استواران میدان علم و عمل و مصلحان پا در رکاب تاریخ نیز که همان وارثان راستین پیامبران الهی‌اند بر سر عهد خود صادق ماندند و همت و توان خویش را در قالب قیام ظاهری یا تلاش مخفی در طبق اخلاص گذاردند. «مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» [5]

انقلاب کبیر اسلامی که بیشترین تحول را در عرصه اندیشه، ایمان و اخلاق مردم بر جای گذارد، چنان دشمنان را مات و مبهوت در تشخیص عوامل ظهورش، به ریشه یابی و گمانه زنی واداشته بود که سالها سر در گم سرگردان با حمله نظامی، تحریم اقتصادی، ترورها و تبلیغات یاس آور، سعی جدی در دور کردن مردم از انقلاب و مأیوس نمودن آنها از ثمراتش داشتند. لکن تیزبینی رهبران و بیداری و ایمان مردم، وحدت و عشق میان امام و امت، باطل السحر پیشگوئیها و شیطنتهای آنان شد.

در این میان عرصه‌ای که به جولان دشمن تا حدی پاسخ نسبی داد، عرصه فرهنگ بود که با فرمول قدیمی و کید کهنه استعمار به عقبه فرهنگی و اخلاقی مردم یورش برده و با سست نمودن پایه‌های ارزشی و بنیانهای معنوی و تکیه‌گاههای رفتاری آنان، زمینه را برای بروز بعضی از پذیرشها به ویژه در نسل جوان فراهم آورد. خمینی کبیر (رحمت الله علیه) که نقد عمر بر سر آزادی و عظمت اسلام و مسلمین گذارد، سر لوحه قیام خویش را «اصلاحات فرهنگی»، «آزادی اندیشه» و «تعالی بینش» مردم قرار داد، بنیان و بنای نظام جمهوری اسلامی را که ثمره همه تلاشهایش بود بر فرهنگ غنی و اصلاح گرایانه اسلام ناب محمدی

1- معارف، اسلام ناب
فرهنگ اسلامی، آن گاه که با طهارت ذاتی خود از زلال وحی، در کلام راویان صادق جاری گردد و قبل از آنکه با افزودنیهای غیر مجاز ترکیب شود، و برداشتهای غلط و مسخ کننده، آن را به جُبهه‌ای وارونه شبیه گرداند، به نفوس پاک مردم راه یابد، در بازیافتن هویت اصیل انسان رساترین کلام و پویاترین مرام و برای هدایت عمومی، گویاترین مدل و بهترین راهبر می‌باشد. معرفی و شناساندن این فرهنگ و نقشه‌های تربیتی آن که در مجموعه اسلام ناب محمدی (ص) ترسیم یافته و جدیدترین تجلی آن را در انقلاب اسلامی ایران شاهد بودیم، از جمله برنامه‌های رهبر معظم انقلاب بوده است. که تاکنون زوایایی مهم و نکاتی قابل ملاحظه از این نظام فرهنگی را معرفی نموده و همگان را از کج فهمی و تعبیر ناصحیح پرهیز داده‌اند. با آوردن پاره‌ای از آن ملاحظات بر این نظام زیبا نظری می‌افکنیم.

آیات الهی، «تدبیر، اصلاح گ
» از اولین لحظات بعثت و وحی بر نبی اکرم (ص) همه وسایل برای صلاح و اصلاح جامعه بشری، در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفت. در همین سوره مبارکه علق، بعد از نام خدای متعال و امر به پیامبر اسلام برای قرائت اشاره می‌کند که «إِقرء باسم ربك الذی خلق». [9]

اسلام ناب، مدرسه انقلاب
«طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پر جاذبه است و دل‌هایی را که آلوده غرض‌ورزی و کینه توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دل‌ها و چشم‌های نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرتها و آفت جان ملتها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (ص) اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزه با فرعونها و قارونها و خلاصه، اسلام کوبنده جباران و برپاکنده حکومت مستضعفان، سر بر کشیده است»

«در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیا پرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بند و باری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (ص) جایگزین اسلام امریکایی گردید.» [10] چنین ویژگیهای کارآمدی است که این مکتب را از مرام حکومتی بشری ممتاز می‌کند و تاکنون فراز و نشیبهای تاریخی نشان داده که تنها راه نجات بشر درمانده و غریق، روی آوردن به اسلام و تعبد در برابر فرامین آن است.

«در ایران حکومتی بر مبنای قرآن و قوانین منطبق بر احکام اسلام، استقرار یافته است که تحت نظارت علمای دینی با استکبار مبارزه می‌کند، در صحنه سازندگی به پیش می‌رود، با اتحاد شرق و غرب مواجه می‌شود، هشت سال جنگ را با افتخار پشت سر می‌گذارد، با تبلیغاتش است را به وحشت می‌اندازد» [11]

تنها عاملاً، نجات بشر
«اگر به اسلام ناب عمل کنند، زندگی بشریت از دردهای مزمن گریبان گیر او در طول تاریخ، نجات پیدا خواهد کرد. دردهای مزمن بشریت از چیست؟ بی‌عدالتی، فقر، ظلم و درگیریهای ناشی از خودخواهی و خودپرستی و خودپسندی میان گروه‌های بشری است، گرفتاریهای عمده بشریت، همان گرفتاریهایی است که صدها سال قبل، بلکه هزارها سال قبل بشر گرفتار آنها بوده است.» [12]

«نکته اصلی‌ای که من می‌خواهم عرض کنم این است که آن عاملی که می‌تواند بشر را نجات بدهد، آن دست قدرتمند و معجزه‌گر، جز اسلام ناب و قرآن کریم و احکام مقدس آسمانی نیست. بشر حقیقتاً در سختی و بدبختی است. اکثریت انسانها مورد ظلمند. بخش اعظم طبقات روی زمین، به انسانهای خبیث اختصاص پیدا می‌کند. عدل در دنیا نیست. علاوه بر این که عدل نیست، شعور به فقدان عدل هم نیست و مهم‌تر این که نجات‌بخش را هم - که اسلام و قرآن و احکام الهی است - کسی در دنیا درست نمی‌شناسد. با استنباط از بینش قرآنی، بر حسب تکلیف و تحلیل تاریخی، اسلام باید ملتها را نجات بدهد.» [13]
«اگر بتوانیم اخلاق و فرهنگ را اسلامی کنیم و مردم را با خلقیات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی که توانست از يك جماعت كوچك در صدر اسلام، ملتی عظیم و مقتدر درست کند، در ملتمان زنده کنیم، شاهد بزرگترین دست آورد خواهیم بود، این نکته را توجه داشته باشید آن چه که در صدر اسلام به وجود آمد ناشی از همان ارزشها و اخلاقیاتی بود که اسلام به مردم داده بود. آنها دنبال علم و کار را گرفتند و تلاش و سعی کردند و دست به نوآوری زدند.» [14]

2- معارف، فرهنگ انقلاب
1- 2- استقلال فرهنگی

مهمترین رویداد بشری در اواخر قرن بیستم، تحول عظیم فرهنگی - سیاسی ایران اسلامی بود که با زیر ساختی الهی و معنوی به سرعت معادلات بین المللی آن زمان را بر هم ریخت.

آنچه در میان عوامل مهم این «فتح مبین» نقشی شگفت داشت و در بر پایی و بقای آن بیشترین تأثیر را داشته و دارد، «دین گرایی و ماهیت فرهنگی - اسلامی انقلاب»، همچنین «اصرار بر پایداری ارزشها و اهداف والای آن» بود. فرا خوان نبوی حضرت امام (ره) و دعوت توده‌ها به حق گرایی و ایمان مداری و حاکمیت دین و تقوا، مردم را در پی یافتن گمشده خود یعنی اخلاق و

فرهنگ مستقا، «فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب يك جامعه با آنها رو به روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم.» [15]

«اما از همه اینها مهمتر، استقلال فرهنگی بود. جمهوری اسلامی، از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد غربی نخواهد رفت. این نکته را من عرض کنم که سلطه واقعی قدرتها، سلطه فرهنگی است. یعنی اگر ملتی بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود را، و در مرحله بالاتر، زبان و خط خویش را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه او، يك سلطه حقیقی است؛ کاری که در دوره‌ای از این دویست سال گذشته فرانسویها با کشورهای دیگر کردند، و در يك دوره دیگر انگلیسیها کردند، و در این اواخر امریکاییها انجام دادند؛ یعنی زبان و خط و فرهنگ و روشهای زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته به قدرتها نباشد، اما چنانچه قدرتهای بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند، بر آن مسلطند.» [16]

اسلامت تنها دلیله، مقابله «نه» بزرگ و تاریخی ملت ایران به مدعیان سلطه جهانی به خصوص در عرصه فرهنگ، که تهدید و همت مخالفانش را برانگیخت، و بزرگترین بهانه و علت برای فشارهای جهانی، راه اندازی جنگ، تحریمهای پیاپی و ایجاد فضاهای ناامن علیه ملت گردید برخاسته از فرهنگ الهی و اسلام خواهی مردم نظام بود و نه هیچ چیز دیگر.

اها، همسه با هدف «برای ما محسوس و ملموس است که علت فشار، اسلام است. مسلمانهای عالم این نکته را می‌فهمند و احساس می‌کنند که این جا ام‌القرای اسلام و وطن اصلی و مرکز حقیقی اسلام است. لذا است که دلهاشان برای ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌تپد و به این عامل وحدت شوق پیدا می‌کنند.» [17]

و برای دست یابی به آن هدف والا و تحقق اسلام ناب راه، همان راه اسلام و روش همان رسول گرامی اسلام (ص) بوده است.

«امام ما برای حیات دوباره اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (ص) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سن به سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد.» [18]

همان اصلی که همه کینه دشمن اسلام و انقلاب را در پی دارد و همواره برای مبارزه با آن و مأیوس کردن مردم مسلمان برنامه ریزی می‌کند.

اسلام دین، فات از مزاها «اگر صدور انقلاب، به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان ساز اسلام است؛ این درست است و به آن افتخار می‌کنیم. ما وظیفه خود می‌دانیم که با صدای بلند و توان بالا، مفاهیم و ارزشها و احکام و معارف اسلامی را که مایه نجات ملتها و مستضعفان و مظلومان است؛ اشاعه دهیم. احساس می‌کنیم که اگر به این تکلیف عمل نکنیم؛ مقصّریم. اگر ما اقدام به گسترش مفاهیم و ارزشهای اسلامی و انقلابی هم نکنیم؛ طبیعت این مفاهیم و معارف، آن است که مثل هوای لطیف و عطر گلهای بهاری، خود به خود در فضای ذهنیت جهان، گسترش پیدا می‌کنند. چه دشمنان بخواهند و یا نخواهند. امروز، مسلمانان عالم باید توجه کنند که دستگاههای استکباری، با جنجال آفرینی می‌خواهند آنها را از بیان صحیحترین و صادقانه‌ترین احساسات و معارف باز بدارند.» [19]

کینه دبننه «استکبار جهانی، نسبت به اسلام و انقلاب، از اعماق وجود کینه دارد و تا ملتی از اصول و دین خودش دست برد ندارد و تسلیم نشود؛ آنها راضی نخواهند شد. خداوند متعال به مسلمانها فرمود: «و لن ترضی عنک الیهود و لالئصارى حتى تتبع ملتهم». بنابراین، کینه استکبار به خاطر اعتقادات و استقلال خواهی و شعار «نه شرقی و نه غربی» و پایبندی عمیق مردم ما به اسلام است. کینه استکبار تمام شدنی نیست؛ اما علی رغم کینه عمیق او علیه ملت ما، به لطف پروردگار امیدوارم و دلگرمیم که انشاء الله ملت ایران بتواند در همه صحنه‌های اقتصادی و ساسی و فرهنگی، به مقاصد الهی دست یابد و دشمن را وادار به عقب نشینی کند.» [20]

2-2- خدا محوری و تکلیف مداری
حق مداری و تکلیف نگری در اعمال، رمز فلاح و هرگونه توفیق است. اسلام با نوای «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» آغاز گردید و آخرین دستگیره انسان در این مسیر را نیز همین قرار داد. حضرت امام (ره) مقصد را الله دید، بر حق ایستادگی نمود و برای او جام زهر را نوشید. و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) نیز با همین نیت ردای رهبری پوشیده، عصای موسوی در دست گرفت و کوه نور را نشان گرفت. بر تکلیف مداری و خداجویی اصرار ورزید و آنچه قطعا در تمامی بیانات آن بزرگوار مورد اشاره بوده است، توجه دادن به خداوند و اخلاص در عمل می‌باشد. «پس، ورای این محاسبات معمولی، دستگاه معقول قانونمندی وجود دارد که غیب است و باید به آن معتقد بود. آن محاسبه را از کجا پیدا کنیم؟ از راه شرع و عمل به تکلیف. این عنوانهایی که ما در خلال صحبت به آن می‌رسیم، دقیقا همان عنوانهایی است که امام ما مکرر روی آن تکه کردند. ما وقتی سلسله بحث را ترسیم می‌کنیم، می‌بینیم که درست سر بند، همین عنوانهاست. امام می‌گفتند: ما به تکلیف عمل می‌کنیم، ما برای پیروزی نمی‌جنگیم، ما برای جواب دادن به خدا می‌جنگیم، خدای متعال تکلیف کرده، ما عمل می‌کنیم؛ پیروزی داد، منت پذیرش

هند ایمان، اسلام، اما آنچه جای بهت و پرسشی عمیق دارد و حیرت جهانیان را بر عظمت خود برانگیخته، عامل اصلی این پیوند و انگیزه تبعیت معجزه وار مردم مؤمن از امامان خویش است. که فرمودند:

« هنر ایمان اسلامی در همین است که دل‌های مردم را آن چنان مجذوب می‌کند و نیروهای آنان را آن چنان در خدمت هدف‌های عالی و والا به کار می‌اندازد که خود این، انقلاب و حرکت اسلامی را بیمه می‌کند و نصرت الهی را به دنبال می‌آورد» [24]

« دست نیرومندی که دل‌های شما مردم را به انقلاب و امام و جمهوری اسلامی، با استحکام متصل کرد و نیروی عظیمی که ملت ایران را مثل اقیانوسی مواج در تمام مراحل انقلاب - از جمله بعد از رحلت امام امت (ره) در مقابل چشم جهانیان قرار داد؛ عبارت از ایمان و اعتقاد شما به خدا و اسلام است. این عامل اصلی را نباید دست‌کم گرفت.» [25]

امام، مردم ضمانت نامه داد،

« بنا داریم که با همه توان و با همه نیروی ملی و ذاتی و ایمانی مردم خودمان، به سمت اقتدار واقعی و حقیقی اسلام پیش برویم و مطمئنیم که خداوند به ما کمک خواهد کرد.» [26]

« وظیفه ما آن است که با پایداری خود در مقابله با تهدید و تطمیع سلطه گران، این پرچم را همچنان برافراشته نگهداشته، از هیچ فداکاری‌ای دریغ نکنیم، تا بتوانیم نقش و مسئولیت تاریخی‌یی را که بر عهده ما در این برهه از زمان گذارده شده است، به بهترین وجه ایفا کنیم.» [27]

شما ملتی هستید که بر اثر تجربه بزرگ انقلابتان و به خصوص بر اثر آزمایش عظیمی که در جنگ از خود نشان دادید و محبت عاشقانه‌ای که نسبت به امام بزرگوارتان - در حیات و مماتش - ابراز کردید و شجاعتی که در مقابل قدرتها از خود نشان دادید، در چشم ملت‌های دیگر، یک ملت بزرگ و قهرمان به حساب می‌آید و حق هم همین است.» [28]

« امروز استکبار جهانی از ایمان عمیق در هر مردمی، خائف و هراسان است. امروز دستگاه سلطه‌طلب و سلطه‌گر جهانی می‌داند آن چیزی که در مقابل او خواهد ایستاد، انسان‌های با ایمان و غیور و معتقد به یک سلسله اصول و ارزش‌ها هستند و فقر مقابل سلطه‌طلبی و زورگویی دستگاه استکبار می‌ایستند دشمن از اینها می‌ترسد و با آنها مقابله می‌کند.» [29]

3-2 مردمی بودن و تکیه بر عناصر خودی

مردم حنود، رحمان، صاحبان، انقلاب

طبیعی‌ترین، منطقی‌ترین و کوتاه‌ترین راه تحقق اهداف الهی انقلاب و یافتن سعادت همگانی، همراه شدن با مردم و همراه کردن مردم با مسیر حق بوده که حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه العالی) این رمز را یافتند و از آن بهره‌ای تام گرفتند. ارکان مختلف نظام ا تکیه بر خواست و اراده آحاد مردم طراحی کردند و بر این منبع عظیم که مظهر عنایت حق بود امید یاری بستند، «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین».

« مردمی بودن حکومت هم یکی دیگر از ارزشهایی است که حاکمیت اسلام و معارف اسلامی به این مملکت هدیه کرده است مردمی بودن، چیزی بالاتر از انتخاب شدن به وسیله مردم است..... در کشور اسلامی ما، مردمی بودن یک ارزش است.» [30]

« برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار - و نه از احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی - نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیرویلازال مردم جستجو کرد و در سایه مجاهدت پانزده ساله، جنود رحمان را از بندگان خدا به وجود آورد و در راه خدا به حرکت در آورد.» [31]

پشتوانه این حکومت، غیر از کمک این مردم چیست؟ پس اینها صاحب قضیه‌اند. اینها بودند که رژیم شاه را سرنگون کردند. اگر این مردم به فرمان امام گوش نمی‌کردند، به خیابانها نمی‌رفتند و جوانانشان را نمی‌دادند، من و شما این افتخار را هم با خودمان یدک می‌کشیم که جزو مبارزان آن زمان بوده‌ایم باید صد سال آن گونه مبارزه می‌کردیم! مردم بودند که به خیابانها رفتند و جان خودشان را فدا کردند. حالا که این مردم به ما مراجعه می‌کنند، آیا باید با آنها مثل مزاحمی که مرتب ما را اذیت می‌کند، برخورد کنیم؟!» [32]

نظام اسلام، متک، نه مردم

از دلایل آشفتگی و بی سامانی رژیم‌های قبل، دور داشتن مردم از امور و نامحرم داشتن آنان در سعادت و سلامت عمومی جامعه بود، که سرانجام آن نتیجه‌ای جز قهر و بیزاری و طغیان و مطالبه یک رژیم مردمی - الهی در پی نداشت. « نظام انقلابی، با پشتوانه مردمی نیرومند خود و با اعتقاد راسخی که به نیروی ملی و مردمی خود دارد، خواهد توانست کشور را در جاده رشد و پیشرفت مادی بیندازد و عقب ماندگیها را با برنامه ریزی جبران نماید و دست بیگانگان سود جو و بد نیت را برای همیشه کوتاه کند. لذا از هر وسیله‌ای برای جلوگیری از سازندگی کشور استفاده کردند که یکی از آنها، جنگ ویرانگری بود که بر مردم ما تحمیل نموده و موجب شدند که همت مردم و مسئولان، به جای سازندگی و پیشرفت علمی و عملی، صرف دفاع از تمامیت و استقلال کشور شود.» [33]

اما مردم آزاده و با ایمان که انقلاب را چون فرزند خود و حاصل دهها سال رنج امام و وارستگان این مرز و بوم می‌دانستند و پیوندی الهی با آن داشتند با اتکاء بر خداوند به افق متعالی این مبارزات چشم دوخته و در پی امام خویش.

« با اراده قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی شد مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثاری بی نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود.» [34]

خمدکفاب، با همت مردم

آثار و برکات شگفت وحدت امت و امام، محدود به ایام پیروزی و اداره جنگ نبود. بلکه تجربه‌ای شیرین از تواناییهای این ملت

از عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی جامعه، شناخت و حضور فعال الگوهای محبوب و مناسب در میان مردم است تا آرمانهای متعالی و اهداف پیش‌بینی شده، تجسمی عینی و دست‌یافتنی یابد. مکتب شیعه، که از ابتدا تکوینی همراه با الگویابی داشته است، مهمترین عامل تربیت و رمزآلود شدنش به ادب و فرهنگ اسلام، و حفظ و پایداری آن، داشتن الگوهای کامل و منزّه و معلمینی الهی و مطهر بوده است.

دورانی که تاریخ با امامت و رهبری معصومین علیهم السلام طی کرد، با همه فراز و نشیب‌ها و پیروزی‌ها و محرومیت‌ها، مکتبی تربیتی و رو به تعالی را بر بشریت گشود که گر چه مربیانی متعدد بر آن ولایت داشتند و هر يك بر حسب شرایط زمان، جلوه‌ای خاص از نفوس ملکوتی خویش و نمایی از ولایت الهیشان را بروز دادند، اما طهارت در مرام، اخلاص در عمل، صداقت در بیان و در يك كلام عصمت آن بزرگان، چهارده قرن امامت را با رهبری واحد و الهی در میان امت جاری ساختند، بگونه‌ای که گویا يك امام با عمری به بلندای سن چهارده معصوم بر تاریخ شیعه ولایت داشته است. چرا که همه، مجریان فرمان حق بودند و رسالتی به عظمت اسلام و وسعت تاریخ بر دوش داشتند.

بی‌تردید بهره‌جستن و تربیت‌پذیری از این گنجینه معنوی، نیازمند آگاهی و طهارتی درخور است.

مقام معظم رهبری که اینک در کمال شایستگی، نیابت ولایت آن حجج الهی را عهده دارند، با تبحری ویژه و اشرافی وافی، و با ترسیم صحیح و دقیق فضائل و کمالات آن اسوه‌های آسمانی، متعالی‌ترین الگوهای رفتاری را در میان مردم جاری می‌سازند و نسبت به جلوه‌های تربیتی آگاهی می‌بخشند. علاوه بر آثار ارزنده ایشان پیرامون سیره معصومین علیهم السلام که قبل از موقعیت مقدس رهبریشان در دست است، طی دوران درخشان رهبری نیز به مناسبت‌های مختلف درسهای آموزنده و هدایت‌گر از معصومین علیهم السلام، همچنین حضرت امام (ره) و در مراحل پایین‌تر از شخصیت‌های بزرگ اسلامی، به تناسب وضع فرهنگی جامعه ارائه فرموده‌اند و بر شناخت بیشتر و تبعیت از آن چهره‌های درخشان تأکید فراوان داشته‌اند که ذیلاً به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

قلل معرفت و کمال انسانی « وقتی به صف اولیا و عبادالله‌الصالحین نگاه می‌کنید، قله‌هایی وجود دارد که نسبت آن قله‌ها به بقیه انسانهای بزرگ عالم معنا، يك نسبت غیر قابل تصور و فوق‌العاده عظیمی است. اختلاف، اختلاف فاحشی است. این قله‌ها، همان کسانی هستند که در تاریخ نبوتها هم هر ا چشم بدوزید، از هر طرف آنها را می‌بینید؛ مثل انبیای اولوالعزم و بزرگانی از این دست و در این حد. اما در مجموعه این عظمتها و شکوها و در بین این برجسته‌ترین‌ها که ذکرشان برای ما فقط لقلقه لسان است و امثال من، دل و روح و جانشان، بسیار کوچک‌تر و خردتر و حر از آن است که بخواهند این معنویتها را درک کنند و همین طور از دور تصویری در ذهنشان دارند و آن را بر زبان می‌آورند

که باز این تصویر هم، از کلمات خودشان است چند نمونه بسیار نادر وجود دارد که از حد توصیف و بیان بالاترند. [38]

« ابعاد شخصیت نبی اکرم را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارائه نماید. آنچه ما از برگزیده پروردگار عالم و سرور پیامبران سراسر تاریخ شناخته و دانسته‌ایم، سایه و شبحی از وجو معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است؛ اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولاً، حرکت آنها را به سمت کمال تضمین کند و قله انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیاً، آنها را به وحدت اسلامی و تجمع حول آن محور تشویق کند. بنابراین، توصیه ما به همه مسلمانان عالم این است که روی ابعاد شخصیت پیامبر و زندگی و سیره و اخلاق آن حضرت و تعالیمی که از آن بزرگوار متأثر و منصوص است، کار زیادی بشود». [39]

تحسنة آيات قرآن،

« وجود امیرالمؤمنین (علیه السلام) از جهات متعدد و در شرایط گوناگون، برای همه نسلهای بشر، يك درس جاودانه و فراموش نشدنی است؛ چه در عمل فردی و شخصی خود، چه در محراب عبادتش، چه در مناجاتش، چه در زهدش، چه در محو و غرق شدنش در یاد خدا، و چه در مبارزه‌اش با نفس و شیطان و انگیزه‌های نفسانی و مادی» [40]

« او تجسم حکومت الهی، تجسم آیات قرآن در میان مسلمین، تجسم « اشداء علی الکفار رحماء بینهم » و تجسم عدل مطلق بود. او فقرا را به خود نزدیک می‌کرد « کان یقرّب المساکین » و ضعفا را مورد رعایت خاص قرار می‌داد. برجستنی که با پول و زور و بقیه وسایل مطرح شدن، خودشان را به ناحق مطرح کرده بودند، در نظر علی (ع) با خاک یکسان بودند. آنچه در چشم و دل او ارزش داشت، ایمان و تقوا و اخلاص و جهاد و انسانیت بود. با این مبناهای بارزش، امیرالمؤمنین کمتر از پنج سال حکومت کرد. قرن‌هاست که درباره امیرالمؤمنین (ع) می‌نویسند و کم نوشته‌اند و نتوانسته‌اند درست تصویر کنند و بهترین‌ها، معترف به عجز و تقصیر خودشان هستند». [41]

سمیئة، نه‌اند،

« در مقام تنزل وجود، آن جای که عظمت‌های ملکوتی به واقعیت‌های عالم جسم و ملک می‌پیوندند و این قالبهای بشری، حامل آن معنویتها و روحها می‌شود؛ آن وقت، هر حرکت و هر اشاره و هر حرف از زبان آنها، برای ماها که عقب هستیم، يك سرمشق نورانی می‌شود. این کافی است که بدانیم فاطمه زهرا (س) در چه اوجی و با چه عظمتی در این عالم بوده و در عالم معنا و ملکوت خواهد بود. واقعا دختر پیامبر (ص) معمای ناگشوده ذهن بشر و معارف بشری است». [42]

مصاداة، لطف‌حاة،

« وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده الهی است. همین قدر می‌دانیم که این بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. « السلام علیک ایّها العلم المنصوب و العلم المصوب و الغوث و الرّحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب » او وعده الهی و مصداق مطلق خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌یی از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان

« شخصیت عظیم رهبر کبیر و امام عزیز ما، حقا و انصافا پس از پیامبران خدا و اولیای معصومین، با هیچ شخصیت دیگری قابل مقایسه نبود. او ودیعه خدا در دست ما، حجت خدا بر ما و نشانه عظمت الهی بود. وقتی انسان او را می‌دید، عظمت بزرگان دین را باور می‌کرد. نمی‌توان عظمت پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، سیدالشهداء (ع)، امام صادق (ع) و بقیه اولیا را حتی درست تصور کرد؛ ذهن ما کوچکتر از آن است که بتواند عظمت شخصیت آن بزرگمردان را در خود بگنجاند و تصور کند.» [43]

او عبد صالح و بنده خاضع خدا و نیایشگر گریان نیمه شب‌ها و روح بزرگ زمان ما بود. او، الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود. او، به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او ملت ایرا را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید. او، صلاى استقلال و آزادگی را در سراسر جهان سرداد و امید را در دل‌های ملل تحت ستم جهان زنده کرد. او، در عصری که همه دست‌های قدرتمند سیاسی برای منزوی کردن دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی تلاش می‌کردند، نظامی بر اساس دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی پدید آورد و دولت و سیاستی اسلامی بنیان نهاد.» [44]

اسلام ناب محسم
« ما امروز درباره امام بزرگوارمان باید عرض کنیم که او اسلام انقلابی محسم، اسلام ناب محسم در زندگی و اخلاق و احساسات و تصمیم‌گیری‌ها و نیز فانی برای خدا بود. خدای متعال هم به او پاداش داد. کاری که به دست این بزرگوار در این دوران انجام گرفت، کاری بی‌نظیر بود.» [45]

ر، نه‌شت:

[1] ترجمان کلام مقام معظم رهبری، همین مقاله، ذیل عنوان فرهنگ مستقل.

[2] (الی ان بعث الله سبحانه محمدا.... 9 فهدا هم به من الضلالة و أنقذهم بمكانه من الجهالة)، نهج‌البلاغه، خطبه اول

[3] زیارت اربعین، مفاتیح الجنان

[4] احزاب ، 7

[5] احزاب ، 23

[6] بیانات امام خمینی (ره) پس از فاجعه کشتار نوزدهم دی ماه 1356

[7] حدیث ولایت، جلد 7 ص 7 ، 1370/2/3

[8] در محضر ولایت، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص 129 ، 1373/9/29

[9] حدیث ولایت، جلد 6 ، ص 233

[10] حدیث ولایت، ج 4 ، ص 249 ، 1369/3/10

[11] روزنامه جمهوری اسلامی، 1374/6/31

[12] فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم تربت جام، 1378

[13] حدیث ولایت ، ج 5 ، ص 287

[14] روزنامه جمهوری اسلامی ، 1374/4/20

[15] حدیث ولایت ، ج 4 ، 1369/1/10

[16] همان

[17] حدیث ولایت ، ج 2 ، 1368/7/5

[18] حدیث ولایت ، ج 4 ، ص 246 ، 1369/3/10

[19] همان ، ص 278 ، 1368/4/23

[20] حدیث ولایت ، ج 1 ، ص 231 ، 1368/4/23

[21] حدیث ولایت ، ج 5 ، ص 177

[22] انفال ، 24

[23] حدیث ولایت ، ج 7 ، 1370/1/29

[24] حدیث ولایت ، ج 6 ، ص 18 ، 1369/9/5

[25] حدیث ولایت ، ج 1 ، ص 220 ، 1368/4/14

[26] حدیث ولایت ، ج 4 ، ص 220 ، 1369/3/4

[27] حدیث ولایت ، ج 6 ، ص 260 ، 1369/12/1

[28] حدیث ولایت ، ج 2 ، ص 280

[29] سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، 1370/6/13

[30] بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع 200 هزار نفری جوانان ، 1379/2/1

[31] حدیث ولایت ، ج 4 ، ص 247 ، 1369/3/10

[32] حدیث ولایت ، ج 6 ، ص 48 ، 1369/9/14

[33] حدیث ولایت ، ج 4 ، ص 263 ، 1369/3/10

[34] همان ، ص 259

- [35] حدیث ولایت، ج 4، ص 264، 1369/3/10
 [36] حدیث ولایت، ج 6، ص 48، 1369/9/14
 [37] همان، ص 229، 1369/3/7
 [38] همان، ص 145، 1369/10/17
 [39] حدیث ولایت، ج 2، ص 224، 1368/7/24
 [40] حدیث ولایت، ج 6، ص 197، 1369/11/10
 [41] همان، ص 198
 [42] حدیث ولایت، ج 6، ص 145، 1369/10/17
 [43] حدیث ولایت، ج 1، ص 7، 1368/3/17
 [44] همان، ص 13، 1368/3/18
 [45] حدیث ولایت، جلد 4 ص 274،

(صلی الله علیه و آله و سلم) نهاد و تا آخر بر آن پای فشرد. او فرهنگ را مبدا همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت [6] می‌دانست و صلاح و فساد ملت و کشور را برخاسته از صلاح و فساد فرهنگ بر می‌شمرد. فرهنگ شاهنشاهی را سراسر وابسته و استعماری دید و با تمام وجود با آن مقابله کرد و مردم را نسبت به مظاهر این تمدن قهقرایی آگاهی بخشید. و امروز امام المسلمین، خامنه‌ای کبیر (مد ظله العالی)، مصلحی دیگر از تبار انبیاء، بر آن میثاق ایستاده و عهد دیرین اسلاف را برمی‌خواند و از سر تکلیف، امت خداجوی را بر طریق هدایت دعوت می‌کند. مدار و محور امامت آن راد مرد الهی نیز تثبیت همان فرهنگ و مقابله همه جانبه با فرهنگهای الحادی و کفر آمیز بشری است. رهبری نبوی او گرچه بر ابعاد گوناگون فقهی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی، نظامی و همه امور مسلمین نظارت دارد، اما آنچه بیش از هر امر بر تارک زعامتش می‌درخشد، توصیه‌ها، تأکیدات و فرامین ارزشمند و در یک کلام ولایت مقتدرانه آن حضرت بر فرهنگ عمومی جامعه و حاکمیت ارزشهای اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی امت است.

هدایت‌های فکری ایشان در طول بیست سال رهبری مستقیم، راهی الهی - تربیتی گشوده و من ضمن ارائه خطوط کلی حرکت، به فراخور زمان، ضعفها، نقصها و نارساییهای فرهنگی را شناسایی نموده و مدبرانه راه صحیح و عمل سزاوار را تعیین کرده است، و چون دیده بانی خبیر و بصیر، قلمرو فرهنگی جامعه را سراسر پاس داشته و قبل از آنکه دشمن سنگری را نشانه رود هشدار داده، و او را تعقیب نموده است. آنچه در مجموعه راهبریهای فرهنگی آن خبیر فرزانه قابل تأمل می‌باشد « منشور اصلاحی » است که از متن اسلام برآمده و بر صراط مستقیم ره می‌پوید. جامع این فرامین که یادآور « قرائت وحی نبوی » و « بازخوانی کلام علوی » است، گاه بر منبر خطابه، گاه بر سریر قلم، گاه در مقام تشویق و گاه از سر نصیحت و تنبیه، نبض حساس فرهنگ جامعه اسلامی را در دست داشته و در فراز و فرود جریانات، موج خیز و موج شکن است. برخی ویژگیهای منشور « اصلاحات فرهنگی » معظم له را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

1- تشخیص به موقع ضعفها و خللهای فرهنگی؛

2- جامع نگری و عنایت به همه جوانب؛

3- آینده نگری و شناسایی اهداف و تاکتیکهای دشمن؛

4- ارائه طریق و نشان دادن سیر اصلاح و مسیر مبارزه؛

5- پافشاری بر اصول و حفظ حدود الهی؛

6- تکیه بر ارزشها و حرکت بر مدار اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)

7- موضوع شناسی؛

8- کلام شناسی؛

9- زمان شناسی؛

10- مخاطب شناسی؛

11- همسویی و الگو گیری از برترین منابع هدایتی (قرآن و مکاتب انبیاء : و عبرتهای تاریخی)؛

12- استفاده از مؤثرترین روشهای نقد و موعظه.

اما آنچه در اینجا بدان خواهیم پرداخت، تبیینی است اجمالی از نظارت دقیق و بصیرت تام ایشان، که جا به جا نیت پلید و مقاصد شوم و کمینهای جدید دشمنان را رصد نموده و مردم و مسئولین را از آن بیداری می‌دهند. مقام معظم رهبری از ابتدای تصدی ولایت و رهبری، بیش از هر چیز بر حفظ و حراست از ایمان و اعتقاد و پایگاههای فکری مردم دغدغه و اصرار داشتند. و چنین فرمودند:

« ما از اول گفته‌ایم که واجبه انقلاب - یعنی آن بخش نمادین و چهره بیرونی انقلاب چهره فرهنگی است. سیاست ما هم مقهور فرهنگ ماست. ما که نخواستیم دیانت‌مان را از سیاست جدا کنیم. فرهنگ ما، ساخته شده تاریخ و مکتب و انقلاب ماست » [7]
 « تمدن بالفعل اگر پشتیبانهای فرهنگی و تضمین کننده‌های فرهنگی دنبالش نباشد از بین می‌رود. سقوط و زوال تمدن‌ها چگونه است؟ ضعف عامل فرهنگی است. تأثیر فرهنگ و نقش و سهم فرهنگ به اعتقاد من این است. » [8]
 آنچه در پی می‌آوریم، گزیده‌هایی از بیانات ارزشمند و پیامهای گرانقدر آن فرزانه کبیر است که در عرصه تثبیت فرهنگ اسلامی و ترغیب همگان بر پاسداری از آن، همچنین شناسایی دشمنان اسلام و راهزنان فکری مردم و معرفی به موقع آنان، تنظیم شده

است. و بر آنیم تا خوانندگان را به طرح تربیتی متقن و همه جانبه آن آگاه، توجه دهیم. سیر هدایتی رهبر معظم انقلاب در بخش وسیعی شامل برنامه‌های دقیق فرهنگی است که با طرح سیاستها و برنامه‌های مؤثر، گاه سعی در آگاهی بخشی و تعلیم جامعه دارند و گاه به اصلاح آگاهیها و دانستیهای موجود و مرسوم می‌پردازند و در فرازهایی دیگر از این هدایت، با تیز بینی و بصیرت فرهنگی، چون دیده بانی آگاه، وضعیت قرار و نقشه‌های در دست اجرای دشمن را پیش بینی کرده و به موقع هشدارهای لازم را به مسئولین امر و مردم می‌دهند. این است که گاه دعوتی عام برای احیای « فریضه امر به معروف و ی از منکر» دارند. گاه همگان را بر پابندی به معنویات، توجه به خدا و اخلاص در عمل سفارش می‌کنند. گاه همگان را بر رعایت نکات خاص اخلاقی و حقوقی نظیر « وجدان کاری و انضباط اجتماعی» فرا می‌خوانند. گاه مردم و مسئولین را بر « عبرت‌گیری از جریانات تاریخی نظیر واقعه عبرت‌انگیز عاشورا» تنبّه می‌دهند و بر پند گیری عوام و خواص از آن هشدار می‌دهند و گاه مرزهای « خودی و غیر خودی» را برای مسدود شدن نفوذ غریبه‌ها روشن می‌سازند و در این مسیر به تناسب، الگوهای رفتاری و اعتقادی تاریخ اسلامی را همچون وجود بی‌نظیر رسول‌گرامی اسلام (ص) و ائمه‌هدی علیهم السلام: و بزرگوارانی که در رشد و تعالی و کمال بشری مؤثر بوده‌اند، را به مردم و مسئولین معرفی و نکات پنهان از ذهن جامعه را مطرح و ترسیم می‌نمایند. ایشان در همه این فرازها همواره مردم را به حق محوری و تکلیف مداری، همچنین فراگیری دانش و کسب مهارت‌های لازم و علوم روز تشویق می‌نمایند. علاوه بر این، معرفی اسلام ناب و آگاهی بخشی از فرهنگ انقلاب، همچنین نشان دادن ردپای دشمنان و سیاست‌های استکباری آنان در مجموعه بیانات و فرمایشات ایشان فرازی ثابت و جایگاهی همیشگی دارد. از این روست که توطئه وسیع «شیخون فرهنگی» یا سوء استفاده از شعارها و ارزشهایی چون « آزادی»، « روشنفکری»، «اصلاحات» و دیگر گریزگاه‌های فرهنگی، به موقع از سوی ایشان شناسایی و به مردم معرفی می‌شود. مجموعه حاضر، که به کنکاشی نه چندان تام بلکه با دقتی قابل توجه بر فرمایشات و پیام‌های معظم له در طول یازده سال رهبری مقتدرانه ایشان تهیه گردیده، در پی بیان ساختار نظارتی آن مقام معظم بر عرصه فرهنگی جامعه بوده است. و بنابر اینکه تربیت و فراهم آوردن زمینه هر رشدی را مبتنی بر دو عامل « ایجاد مقتضی» و « رفع مانع» بدانیم این مطالب در دوبرخ:

1- سیاستها و برنامه‌های فرهنگی؛

2- دیده بانی و بصیرت فرهنگی، تنظیم یافته.

بخش اول شامل دو فصل:

الف - آگاهی بخشی؛

ب-اصلاح فرهنگی.

و بخش دوم شامل دو فصل: الف دشمن شناسی و معرفی فرهنگ استکباری؛

ب - آفت شناسی فرهنگی می‌باشند. که طی این فصول بیانات معظم له به عناوینی چند دسته بندی شده و تحت هر عنوان به چند مطلب محدود از ایشان اشاره گردیده و جهت انتظام یافتن و ایجاد نظم فکری با جملاتی سعی در عطف بیانات به یکدیگر شده است.

معنویات همچنین اصلاح اوضاع فرهنگی به حرکت در آورد.

آنچه که مدنیت آن زمان تصورش را نمی‌کرد و در مناسبات مادی آن روز انتظارش نمی‌رفت «شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» ما بود که اعلامیه استقلال و مایه سرافرازی انقلاب گردید و شیفتگان عدالت و آزادی در سراسر جهان را جرأت بخشید تحقق این شعار در بعد فرهنگی انقلاب، به معنای تبدیل همه مظاهر و نمادهای زندگی جاهلی و توحش مدرن، به بنیانهای اصیل الهی و اسلامی بود که بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری از ابتدا تاکنون بر آن تأکید داشته و آن را مهمترین ره آورد انقلاب و محکمترین سلاح علیه دشمنان می‌دانند.

هستیم، پیروزی هم نداد، باز هم از این که توفیق داد به تکلیفمان عمل بکنیم، منت‌پذیر هستیم. راز پیروزی همین است. اگر انسان، شرع را امام خود قرار بدهد؛ یعنی طبق آنچه که تکلیف اسلامی و شرعی است، قدم به قدم حرکت بکند، یقیناً به پیروزی خواهد رسید.» [21]

« يك مسئله اساسی اسلامی که در آیات کریمه قرآن از آن یاد شده و ما ملت ایران باید به آن توجه دایمی داشته باشیم، عبارت است از حرکت به سمت حیات طیبیه الهی و سیاسی. « یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لامایحیکم» .

[22]خدا و پیامبر، شمارا به زندگی و مایه حیات طیب و پاکیزه دعوت می‌کنند.» [23]

بود تا مرزهای اقتدار خویش را بیابند و بر بازسازی و جبران ویرانیهای شاهنشاهی و ایادی جور در این مملکت کمر همت بندند و پیام مولا را دریابد که:

« نیروهای مخلص، آستین همت بالا زنند، بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند و موانع را از سر راه بردارند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه گیر شود، زندگی مردم سر و سامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.

دولت و ملت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌ای انقلابی بدانند، با همکاری و با بسیج همه نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملت‌های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان ارائه نماید.» [35]

این، همت والای مردم بود و انتظاری که اسلام و تاریخ از آنان داشت. کار را تمام کردند و بحمدالله سر بلند برآمدند، آنچه داشتند گذاشتند تا همه چیز را بیابند و یافته آنان، میراث گرانبهای اسلام بود که در سایه استقلال و آزادی فراهم آمده بود. اما آنچه این ولی نعمتان و صاحبان حقیقی انقلاب از اولیای امر که میراث داران امروزند، انتظار دارند چیزی جز امانتداری و وظیفه‌شناسی و درك جایگاه خود و مردم نیست. «حرف من این است که باید ترتیبی داده بشود و مکانیسمی به وجود بیاید که کارگزاران حکومتی، خودشان را به معنای حقیقی کلمه، خدام و خدمتگزار مردم بدانند؛ بروند کار کنند و همان قدری که برایشان مقرر و معین شده است، زحمت بکشند و وظیفه خود را انجام بدهند؛ کوتاهی نباید باشد.» [36] «مظهر مردمی بودن ما این است که امروز مردم بین خودشان و مسئولان فاصله حقیقی احساس نمی‌کنند. این نعمت بزرگی است.» [37] خداست. او نمایشگر مَبْلَغ فضل الهی بر بنی آدم است. اینها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درك کنیم و بفهمیم، خیلی بُرد کرده‌ایم.»